

دو فصلنامه تخصصی «پژوهش سیاست نظری»

دوره جدید، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۷ و بهار ۱۳۸۸: ۹۵-۱۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۱۲/۱۱

سازوکارهای دگرگونی در روابط ژاپن با جمهوری اسلامی ایران

الهه کولایی*

ماندانا تیشه‌یار**

چکیده

اصل اساسی روابط خارجی ژاپن با همه کشورهای جهان، جدایی مسایل سیاسی از ملاحظات اقتصادی بود. اما تغییر در ماهیت و ساختار قدرت در نظام بین‌الملل، موجب شده این کشور با تجدید نظر در آن، مبنای روابط اقتصادی خود با کشورهای مختلف را بر پایه مناسبات سیاسی بنا نهد. ژاپنی‌ها امروز برای تأمین منافع بلند مدت خود، همراهی با روند جهانی حمایت از الگوها و ارزش‌های جهانی شده غربی را ضرورتی انکارناپذیر یافته‌اند. هراس از برهم خوردن روابط استراتژیک این کشور با ایالات متحده را، می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر رویکرد ژاپن نسبت به ایران دانست.

واژگان کلیدی: ژاپن، روابط خارجی، ایران، سیاست خارجی، انرژی.

Ekolaee@ut.ac.ir

Mandana1975@yahoo.com

* نویسنده مسئول: استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه جواهر لعل نهرو

مقدمه

یک داستان قدیمی ژاپنی می‌گوید: در کنار جاده‌ها سه میمون را می‌توان دید. یکی چشم‌هایش را، یکی دهانش را و سومی گوش‌هایش را بسته است. یکی معرف ندیدن، دیگری معرف سخن نگفتن و سومی معرف نشنیدن است. این داستان بیانگر این اندیشه است که چشم‌ها، دهان و گوش‌های آدمی مجرای اشتباه هستند (یوکچی، ۱۳۷۹: ۲۱۸). این داستان برای قرن‌های متمادی الگوی اصلی سیاست خارجی ژاپن در برقراری ارتباط با سایر کشورها و سرزمین‌ها بوده است. ژاپن که در شرقی‌ترین قسمت قاره آسیا واقع شده، به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی خود که به صورت مجمع‌الجزایری در دل اقیانوس آرام قرار گرفته است - تا اوایل قرن ۱۹ میلادی همواره درگیر حوادث داخلی خود بود و کمتر توجهی نسبت به سرزمین‌های مرکزی و غربی آسیا یا سایر نقاط جهان از خود نشان می‌داد. از ۱۸۷۶ و به دنبال به قدرت رسیدن امپراتوری میجی^۱ در این کشور، زمامداران ژاپنی برقراری ارتباط با سایر سرزمین‌ها و گسترش روابط سیاسی - اقتصادی با آنها را در برنامه خود قرار دادند.

روابط میان ایران و ژاپن نیز از همین دوران آغاز شد. روابط دو کشور با وقوع جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۲/۱۳۲۱ قطع شد. با فشاری که از سوی متفقین به دولت ایران وارد شد، در ۹ اسفند ۱۳۲۳ / ۲۸ فوریه ۱۹۴۴ ایران به طور رسمی به ژاپن اعلام جنگ داد. گرچه خصومت و تضاد منافی بین ایران و ژاپن وجود نداشت، این اقدام، ناشی از فشار قدرت‌های غالب در جنگ بود که ایران را در اشغال خود داشتند. در عمل نیز بین ایران و ژاپن درگیری و جنگی روی نداد (معین‌زاده، ۱۳۸۲: ۴۲۶). بعد از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، ایران هم مانند بسیاری از کشورهایی که با ژاپن در حال جنگ بودند، در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت و با این کشور عهدنامه صلح امضا کرد. به این ترتیب، شاید بتوان گسترش روابط میان ژاپن و ایران را به دوران پس از جنگ جهانی دوم موکول کرد. در این دوران ژاپن با پی‌گیری مستمر و برنامه‌ریزی منظم، به تدوین اصول حاکم بر سیاست خارجی خود در قبال ایران پرداخت. البته در دوره‌های مختلف براساس وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل، در این اصول بازنگری‌های لازم انجام شد.

1. Meiji

سازوکارهای دگرگونی در روابط ژاپن با جمهوری اسلامی ایران / ۹۷

سوال اصلی این مقاله چگونگی دگرگونی در روابط ژاپن با ایران است. فرضیه اصلی نگارندگان این است که در شکل دادن روابط ژاپن با ایران، ملاحظات سیاسی بر محاسبات اقتصادی پیشی گرفته است. بر این اساس با مروری بر روابط ژاپن با ایران در دهه‌های گذشته، این دگرگونی مورد بررسی قرار گرفته است.

بر این اساس می‌توان بعد از پایان جنگ جهانی دوم، در روابط میان ژاپن و ایران سه دوره تاریخی را مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

۱. دوران «وابستگی فزاینده^۱»، دوران پس از جنگ تا وقوع اولین شوک نفتی در ۱۹۷۳/۱۳۵۲ است.

۲. دوران «وابستگی متقابل^۲»، از ۱۹۷۳/۱۳۵۲ تا هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹/۱۳۶۸.

۳. از ابتدای دهه ۱۹۹۰/۱۳۷۰ تاکنون سیاستمداران ژاپنی در تدوین روابط خارجی خود با ایران، پیرو اصول حاکم بر روند کلی اقتصاد سیاسی- بین‌المللی در متن جهانی شدن بوده‌اند. با توجه به «وابستگی جهانی^۳» به الگوهای امنیت‌ساز بین‌المللی برای تأمین منافع و امنیت اقتصادی خود، به تنظیم روابط خارجی خود با ایران پرداخته‌اند.

الف) پیش از انقلاب اسلامی

دوران وابستگی فزاینده

در پایان جنگ جهانی دوم، ژاپن ۴۰ درصد ظرفیت صنعتی خود را از دست داده، به اشغال آمریکا در آمده بود و به ویرانه‌ای مبدل شده بود. اما نگرانی آمریکا از اهداف شوروی در بهره‌برداری از بی‌ثباتی شرق آسیا، موجب شد تجدید حیات اقتصادی ژاپن و ادغام آن در منطقه آسیای شرقی به دست ایالات متحده صورت گیرد تا ژاپن، به صورت اصلی‌ترین ابزار برای سد بندی سیاسی - اقتصادی در برابر توسعه نفوذ شوروی درآید. نظام اقتصادی جدید ژاپن در این دوران، ترکیبی از بازار آزاد و سیاست‌های حمایتی دولت بود (Buckley, 1998: 62). در این زمان، احیای فعالیت‌های تولیدی مهمترین وظیفه دولت بود که نیاز به تأمین انرژی داشت. تا اواسط دهه ۱۹۵۰/۱۳۳۰ دغال سنگ عمده‌ترین منبع تأمین انرژی ژاپن بود؛ اما به تدریج نفت جایگزین آن شد. از آنجا که

1. Increased Dependency
2. Interdependency
3. Global Dependency

استخراج ذغال سنگ در ژاپن دشوار و ذغال حاصله نامرغوب بود (اولدفادر، ۱۳۶۲: ۱۱۹۲ و Nakamura, 1988: 79)، کاهش قیمت جهانی نفت و به‌کارگیری کشتی‌های نفتکش، هزینه حمل نفت از مناطقی مانند خاورمیانه را به ژاپن کاهش داد و زمینه وقوع انقلاب انرژی در این کشور فراهم شد. ژاپن از اواسط دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ به یکی از بزرگترین وارد کنندگان نفت خام تبدیل شد. حجم واردات نفت ژاپن که در ۱۳۳۹/۱۹۶۰ بالغ بر ۱۹۴ میلیون بشکه بود، در ۱۳۵۲/۱۹۷۳ به یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون بشکه رسید (کیهان، ۱۳۶۶/۴/۱۸: ۱۶).

افزایش وابستگی نفتی، موجب شد ژاپن به برقراری روابط گسترده‌تر با کشورهای نفت خیز علاقه‌مند شود. چند ماه بعد از برقراری روابط دیپلماتیک میان ایران و ژاپن، اولین معامله عمده تجاری بین دو کشور به صورت قرارداد فروش فرآورده‌های نفتی پالایشگاه آبادان به یک شرکت ژاپنی به نام آیده میتسو^۱ در زمان دولت دکتر مصدق انجام گرفت (خانی، ۱۳۷۲: ۲۹). در فروردین ۱۳۳۲/۱۹۵۳ این شرکت نخستین نفتکش خود را به نام نیشومارو^۲ به آبادان فرستاد تا ۲۰ هزار تن نفت را به مقصد ژاپن دریافت کند. این امر که در زمان جدال میان شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و دولت ایران بر سر ملی شدن صنعت نفت صورت گرفت، موجب شد که آن شرکت دادخواستی علیه شرکت آیده میتسو به دادگاه توکیو تسلیم کرده، خواستار توقیف محموله کشتی شود. دادگاه توکیو در آخرین روزهای زمامداری دکتر مصدق، شکایت شرکت انگلیسی را رد کرد. اما در اثر فشار انگلیسی‌ها، دیگر نفتکش‌های ژاپنی اجازه نیافتند نفت ایران را حمل کنند (نقی‌زاده، ۱۳۶۶: ۳۸).

چندی بعد به دنبال سفر رسمی شاهزاده آکی هیتو، ولیعهد ژاپن به ایران- که بعدها به مقام امپراتوری این کشور رسید- و نیز بازدید محمدرضا پهلوی از ژاپن در ۱۳۳۷/۱۹۵۹، ژاپن به یکی از خریداران عمده نفت ایران تبدیل شد؛ به طوری که در سال‌های دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ تا میزان ۹۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را از ایران تأمین می‌کرد. (مهدوی، ۱۳۷۴: ۴۲۳). در این دوران روابط دو کشور به صورتی نامتوازن گسترش یافت. در سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ حجم روابط تجاری دو کشور بالغ بر ۶۰۵/۸

1. Idemitso
2. Nishomaro

میلیون دلار بود، که ۷۷ میلیون دلار آن مربوط به صادرات ژاپن به ایران و ۵۲۸/۸ میلیون دلار نیز به واردات ژاپن از ایران اختصاص داشت (واردی، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

دوران وابستگی متقابل

به دنبال شکل گیری اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳/۱۳۵۲، رسانه‌های گروهی ژاپن این سال را سال خاورمیانه نامیدند. در این سال برای نخستین بار، ژاپنی‌ها متوجه اهمیت خاورمیانه شده، نیاز به تدوین سیاستی مناسب با شرایط این منطقه را احساس کردند. در یازدهم اکتبر ۱۹۷۳/مهرماه ۱۳۵۲ که نمایندگان شرکت‌های نفتی و نمایندگان کشورهای عضو اوپک در وین گرد آمده بودند، واقعه‌ای مهم اتفاق افتاد. جنگ میان اعراب و اسرائیل بار دیگر از سر گرفته شد. نمایندگان کشورهای عربی که در انتظار فرصتی برای استفاده از نفت به عنوان سلاحی سیاسی و بالا بردن قیمت‌ها بودند، برای نخستین بار بحث منع صدور نفت به ایالات متحده و کشورهای حامی اسرائیل را مطرح ساختند (سمسون، ۱۳۵۶: ۱۷). این تحریم‌ها شامل تحریم صدور نفت به ژاپن نیز می‌شد.

این موضوع، موجی از نگرانی را در زمینه کاهش دستیابی به منابع انرژی، بویژه در میان کشورهای صنعتی، دامن زد. مسابقه قیمت‌ها چند روز بعد، هنگامی آغاز شد که ایران تصمیم گرفت ۱۲ میلیون تن نفت خام قابل تحویل در سال ۱۹۷۴/۱۳۵۳ را به مزایده بگذارد. در میان پیشنهاد دهندگان، نقطه اوج مزایده به بشکه‌ای ۱۷ دلار رسید. حال آنکه در همان تاریخ، قیمت نفت سبک ایران بشکه‌ای ۵ دلار بود. کسانی که این پیشنهاد را دادند، شرکت‌های ژاپنی بودند که با استفاده از شکاف ایجاد شده میان کمپانی‌های بزرگ، سعی داشتند در کشورهای نفتی پایگاهی برای خود ایجاد کنند (دولونه و شارلیه، ۱۳۶۹ و یرگین، ۱۳۷۶: ۱۰۳۹). این موضوع با مخالفت مقامات ژاپنی روبرو شد. از نظر آنها شرکت‌های مزبور با انجام چنین خریدهایی و استفاده از قدرت اقتصادی ژاپن، موجب تورم شدیدی می‌شدند که در نهایت از ادامه رشد اقتصادی این کشور جلوگیری می‌کرد.

ژاپن توانست طی ماه‌های بعد، موقعیت خود را در میان کشورهای عرب بهبود بخشد و جایگاه خود را از کشوری متخاصم، به یک کشور دوست و میانجی در بحران میان اعراب و اسرائیل مبدل سازد. ژاپن همچنین برای اثبات دوستی خود با اعراب، سه وزیر

بلند پایه خود را به منطقه خلیج فارس فرستاد و پیشنهاد ارائه‌ی کمک‌های مالی به کشورهای مختلف خاورمیانه کرد. این وزیران به ایران نیز سفر کردند و یک وام مختلط، معادل یک میلیارد دلار به ایران در جهت حمایت از پروژه تأسیس یک پالایشگاه نفت دادند (کیهان، ۱۳۶۶/۴/۲۱: ۱۶).

از این زمان به بعد، ایران به بزرگترین کشور صادر کننده نفت به ژاپن تبدیل شد. ژاپن پس از آلمان غربی و آمریکا، مقام سوم را در واردات از ایران به دست آورد. در همان حال هم تلاش داشت به توازن تجاری میان دو کشور کمک کند، از این رو از سال ۱۹۷۳/۱۳۵۲ میزان سرمایه‌گذاری در ایران را افزایش داد. در سال‌های ۵-۶/۱۳۵۴-۱۹۷۵ تقریباً ۴۳ درصد کل سرمایه‌های خارجی در ایران متعلق به ژاپن بود. بخش عمده آن در طرح‌های پتروشیمی، تولید پلاستیک، دارو، وسایل الکتریکی و استخراج معادن به کار افتاده بود (مهدوی، ۱۳۷۴: ۴۲۴).

در سال ۱۹۷۷/۱۳۵۶ ژاپن کالاهایی به ارزش ۱/۹۳ میلیارد دلار به ایران صادر کرد. در مقابل واردات آن از ایران ۴/۲۴ میلیارد دلار بود. بدین ترتیب حجم روابط تجاری دو کشور در مقایسه با دهه قبل، حدود ۱۰ برابر افزایش یافته بود (واردی، ۱۳۸۴: ۲۱۸). همچنین جهت گسترش پیوند با کشورهای نفت‌خیز منطقه، تا که ژو فوکودا نخست وزیر این کشور، در آذر ۱۳۵۷/دسامبر ۱۹۷۸ از ایران، عربستان، قطر و امارات متحده عربی دیدار کرد. این نخستین بار در تاریخ روابط دو کشور بود که یک نخست وزیر ژاپنی از ایران دیدن می‌کرد. در پایان سفر فوکودا، طرفین یک اعلامیه مشترک صادر کردند که در بخشی از آن آمده بود:

«دو طرف موافقت کرده‌اند که اقیانوس هند باید منطقه صلح و آرامش باشد. در این زمینه، پشتیبانی خود را از اعلام اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح و عاری از رقابت قدرت‌های بزرگ اظهار داشته‌اند. همچنین طرفین تأکید کرده‌اند که مسئولیت صلح و امنیت در این منطقه حساس از جهان، مربوط به کشورهای ساحلی آن است. این منطقه باید از دخالت کشورهای دیگر برکنار ماند» (خانی، ۱۳۷۲: ۳۲). به این ترتیب، ژاپن بر اصرار ایران مبنی بر انجام وظایف مربوط به ژاندارمی منطقه خلیج فارس و دریای عمان، که مرزهای آن به اقیانوس هند پیوند می‌یافت، مهر تأیید گذاشت.

ب) پس از انقلاب اسلامی

سال ۱۹۷۹/۱۳۵۷ سرآغاز بحران نفتی جدیدی بود که از منطقه خلیج فارس نشأت می‌گرفت. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، بحران گروگانگیری و شروع جنگ میان ایران و عراق، مجدداً زنگ‌های خطر را برای امنیت اقتصاد ژاپن به صدا در آورد. بروز این گونه حوادث پی در پی، تهدیدی جدی برای ساختار اقتصاد ژاپن بود. پس از اولین بحران نفتی، ژاپنی‌ها درصدد بر آمده بودند جای پای خود در ایران پیدا کنند. از این رو، ژاپن بیش از دیگر کشورهای صنعتی به نفت ایران اتکا پیدا کرده بود. لذا حذف سه تا چهار میلیون بشکه نفت در روز از بازارهای بین‌المللی، موجب افزایش خرید از ترس احتمال وقوع کمبود نفت شده بود. به علاوه اعتصابات صنعت نفت در ایران، همچون شوک نفتی پیشین، در فصل پاییز رخ داد. این زمانی بود که شرکت‌ها به دلیل افزایش مصرف نفت در زمستان، اقدام به ذخیره‌سازی و پر کردن انبارهای خود می‌کردند.

اولین هدف ژاپنی‌ها در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران، این بود که از تأمین نفت خود از ایران اطمینان حاصل کنند. آنها همچنین مایل بودند طرح‌های در دست اقدام خود در ایران را به پایان رسانند و وضعیت طرح مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن را نیز معلوم کنند.^(۱) علاوه بر این همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از ۱۰ شرکت بزرگ و ۲۰ بانک ژاپنی نیز در ایران در زمینه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری کرده بودند. با توجه به اهمیت روابط دو کشور، ژاپن با اعزام نماینده ویژه‌ای به ایران، در ماه‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، علاقه‌مندی خود را به تحکیم و استمرار روابط دو کشور اعلام کرد. در میان کشورهای صنعتی، ژاپن از معدود کشورهایی بود که در این دوران، روابط سیاسی خود را در سطح سفارت با ایران حفظ کرد و موضعی دوستانه در قبال ایران در پیش گرفت.

اما به دنبال اشغال سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفتن کارمندان آن، به دست گروهی از دانشجویان ایرانی، روابط ژاپن و ایران هم رو به تیرگی نهاد. اولین اقدام جدی آمریکا در قبال دولت ایران، تحریم خرید نفت بود. دولت ژاپن نیز بلافاصله از شرکت‌های ژاپنی خواست تا از خرید نفت ایران خودداری کنند. دولت ژاپن با انتشار بیانیه‌ای، اقدام ایران در اشغال سفارت آمریکا را به عنوان نقض قوانین بین‌المللی، مورد انتقاد قرار داد و محکوم کرد.

به دنبال ادامه بحران گروگانگیری، اتحادیه اروپا و ژاپن در اردیبهشت ۱۳۵۹/آوریل ۱۹۸۰ برای کاهش تعداد کارمندان سفارتخانه‌های خود در تهران، تعلیق قراردادهای معافیت روادید و توقف ساخت طرح‌های جاری اقدام کردند. ولی تیرگی روابط دو کشور دیری نپایید. به دنبال آزادی گروگان‌های امریکایی در بهمن ۱۳۵۹/فوریه ۱۹۸۱، دولت ژاپن اعلام کرد که دیگر موردی برای ادامه تحریم اقتصادی علیه ایران وجود ندارد. اما بحران نفتی در منطقه خلیج فارس ادامه یافت. در ۳۱ شهریور ۲۲/۱۳۵۹ سپتامبر ۱۹۸۰ رژیم عراق تهاجم نظامی گسترده‌ای به ایران کرد. یکی از مهمترین نتایج این جنگ، ویرانی بخش‌های عمده ساختارهای صادرات نفت دو کشور بود که مشکلاتی جدی در عرضه نفت به وجود آورد. دولت ژاپن از ابتدای آغاز این جنگ، بی‌طرفی خود را اعلام داشت و تلاش کرد با میانجیگری، این جنگ را خاتمه دهد (واردی، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

در طول جنگ ایران و عراق، مقامات ژاپنی با ارائه طرحی چهار ماده‌ای مبنی بر توقف جنگ شهرها، دریاها، عدم حمله به هواپیماهای مسافربری و کشتیرانی آزاد در آبراه خلیج فارس (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۵/۱: ۱۹) برای پایان دادن به جنگ، تلاش خود را آغاز کردند. دیدار شینتارو آبه، وزیر امور خارجه وقت ژاپن و پدر شینزو آبه نخست وزیر فعلی این کشور، در مرداد ۱۳۶۲/اوت ۱۹۸۳ از خاورمیانه، نشانگر تلاش ژاپن برای ایفای نقش میانجی‌گرانه در این مورد بود. یکی از اهدافی که در جنگ، در مناطق جنوبی ایران مورد حمله قرار گرفت، مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن بود. تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، بخش مهمی از کارهای ساختمانی این مجتمع به انجام رسیده بود. در تیرماه ۱۳۵۸/جولای ۱۹۷۹ نیز طرفین موافقت کرده بودند سرمایه‌گذاری طرح را تا ۳/۵ میلیارد دلار افزایش دهند. اما به زودی ژاپنی‌ها به دلایل گوناگون از جمله غیراقتصادی بودن طرح، عدم تمایل خود را به ادامه آن ابراز داشتند. در بهمن ۱۳۶۲/فوریه ۱۹۸۳ نیز پس از اصابت چهار راکت عراقی به این مجتمع، ژاپنی‌ها ایران را ترک کردند. با تصمیم مجلس ایران، این طرح به حال تعلیق درآمد. پس از پایان جنگ، هنگامی که مقامات ایران بار دیگر از ژاپنی‌ها برای اتمام این پروژه دعوت کردند، با واکنش سرد طرف ژاپنی مواجه شدند. ژاپنی‌ها مدعی بودند که این طرح دیگر سودآور نیست و در سطح بین‌المللی قادر به رقابت با سایر رقیبان نیست.

ژاپنی‌ها با پرداخت غرامت یک میلیارد دلاری از این طرح کناره‌گیری کردند. دولت ایران هم شرکایی از اروپا برای ادامه آن انتخاب کرد. (علیپور تهرانی، ۱۳۷۲: ۱۶۲).

در سال‌های دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ روابط دو کشور رو به رشد بود و موافقت‌نامه‌های گوناگونی در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و کشاورزی میان دو کشور به امضا رسید. در این دوران، سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در ایران برای سیاست ایجاد وابستگی متقابل افزایش یافت. میزان صادرات این کشور به ایران که در سال ۱۳۶۱/۱۹۸۲ معادل ۹۳۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹ به حدود ۲ میلیارد دلار رسید. این در حالی بود که میزان صادرات ایران به ژاپن طی همین مدت کاهش یافته و از حدود ۲/۵ میلیارد دلار، به ۱/۸ میلیارد دلار رسید (واردی، ۱۳۸۴: ۲۱۸). در واقع، در این دوره ایران به دلیل تحریم‌ها و کاهش مناسبات با بسیاری از کشورهای صنعتی و نیز شرایط جنگی، بیش از ژاپن به ادامه روابط تجاری نیاز داشت. حتی وجود کالای استراتژیکی نظیر نفت نیز موجب نشده بود که وابستگی ژاپن به واردات از ایران حفظ شود. نفت ارزان و فراوان به سادگی از طریق دیگر تولیدکنندگان نفتی عضو اوپک، در اختیار این کشور قرار می‌گرفت.

این موضوع که ژاپن توانست از ابتدای شوک نفتی اول تا پایان دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ برخلاف فراز و نشیب‌های بسیار، همچنان در تأمین منافع خود موفق عمل کند، صرفاً بواسطه تغییر سیاست‌ها و رویکردهای سیاستگذاران ژاپنی در عرصه تأمین امنیت انرژی این کشور میسر شد، که به دیپلماسی منابع^۱ معروف شد. بر این اساس، کاستن از میزان وابستگی به واردات نفت، جستجو برای کشف منابع جدید، استفاده از سوخت جایگزین، اجرای سیاست‌های صرفه‌جویی، افزایش میزان ذخایر نفتی، متنوع‌سازی مبادی تأمین انرژی و بالاخره ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی میان ژاپن و کشورهای تولیدکننده نفت، در اولویت سیاست خارجی ژاپن برای تأمین امنیت انرژی این کشور قرار گرفت.

در واقع، براساس رویکرد وابستگی متقابل که از نیمه دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ در میان نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل مورد توجه بیشتر قرار گرفت، تلاش برای حفظ امنیت اقتصادی کشورهای توسعه یافته، به طور فزاینده، همه کشورها را به یکدیگر پیوند داد و امنیت هر یک از آنها را به دیگری وابسته کرد. به این ترتیب اصل «سود او، زیان من

است»، جای خود را به اصل «ما همه با هم ضرر یا سود خواهیم کرد» داد.

دوره وابستگی جهانی

در آستانه دهه ۱۳۷۰/۱۹۹۰ جهان شاهد تحولات چشمگیری بود. از جنبه نظری، مهمترین تحول، شکل‌گیری دیدگاه جدیدی در زمینه نظم نوین حاکم بر نظام بین‌الملل بود. در این دیدگاه، اشتراک‌ها و تمایزهای هویتی بازیگران، عامل اصلی تعیین‌کننده نوع روابط میان آنان در سطح بین‌المللی است. این نگرش موجب شد واحدهای سیاسی قدرتمند، جهت ایجاد همگرایی هرچه بیشتر میان منافع خود با منافع سایر بازیگران تلاش کنند. در این دیدگاه، گسترش ارزش‌ها و باورهای حاکم بر جوامع در سطح نظام بین‌المللی و ایجاد همسانی‌های هویتی، زمینه مشروعیت بخشی برتری هژمونیک آنها بر جامعه بین‌المللی را فراهم می‌آورد. براساس این باور که همگونی ارزشی و هویتی، نه تنها از میزان دشمنی در سطح نظام بین‌الملل خواهد کاست، بلکه به ایمن‌سازی راه‌های دستیابی به منافع سیاسی و اقتصادی این بازیگران منجر می‌شود، این رویکرد در ابعادی وسیع که یک سر آن را تبلیغات فرهنگی و سر دیگر آن را اقدامات نظامی در بر می‌گیرد، دنبال شد (<http://www.isanet.org/portlandarchive/oga.html>).

به این ترتیب الگوی رقابتی دوران جنگ سرد، به تدریج جای خود را به سیستم همیاری جدیدی داده که زمینه ساز تشکیل جامعه ای جهانی، براساس ارزش‌های هویتی یکسان، نظام‌های اقتصادی مشابه و تهدیدات امنیتی مشترک شده است (Reus-Smith, 2001). بر این اساس، در این دوران مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی میان کشورهای قدرتمند، جایگزین رقابت و تقابل دو قطبی و همکاری اقماری سابق شده، حرکت به سوی دموکراتیک ساختن نظام سیاسی کشورها و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر به عنوان یک هنجار بین‌المللی، بویژه مورد توجه قرار گرفته است. همچنین تنش‌های قومی در سطوح ملی و منطقه‌ای در نقاط مختلف جهان، خطر تروریسم، تهدیدهای ناشی از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی از یک سو و لزوم برقراری امنیت در منابع تولید، مسیرهای انتقال انرژی و ایجاد ثبات در بازارهای اقتصادی و مالی از سوی دیگر، موجب شده است که کشورهای مختلف، از جمله ژاپن کارویژه‌های جدیدی را برای خود تعریف کرده، ابزارهای جدیدی را برای رسیدن به مقصود در خدمت گیرند.

بنابراین، الگوی جدیدی از روابط میان واحدهای سیاسی در حال شکل‌گیری است که می‌توان آن را هژمونی جمعی یا شبکه‌ای شدن قدرت نامید. در این وضعیت در صورتی که میان ارزش‌های هویتی، ابعاد امنیتی و یا حتی برنامه‌های اقتصادی یک واحد ملی با ارزش‌های تعریف شده جهانی یا نظام اقتصادی بین‌المللی سازگاری وجود نداشته باشد، واحدهای سیاسی قدرتمند در چارچوب ائتلاف‌های بین‌المللی، در اقلیت آن واحد ملی برای تطبیق خود با شرایط موجود حاکم بر جهان تلاش خواهند کرد. البته ابزارهای اقلیت نیز از گستره وسیعی برخوردار است که شامل استفاده از زور نیز می‌شود (محمدی، ۱۳۸۲).

در پرتو تحولات نوین جهانی، روابط ژاپن با ایران هم متأثر از وضعیت جدید حاکم بر روابط بین‌المللی به گونه‌ی چشمگیری دستخوش دگرگونی شده است. در پی تصویب قانون تحریم ایران و لیبی در کنگره آمریکا و اجرای سیاست مهار دو جانبه علیه ایران و عراق، ژاپن در ۱۹۹۳/۱۳۷۲ از پرداخت وام توافق شده به ارزش ۱۶۱ میلیاردین^(۱)، به منظور اجرای پروژه سد و نیروگاه آبی گذارلند (کارون ۴) به ایران خودداری ورزید^(۲) و میزان سرمایه‌گذاری در ایران را بویژه در بخش‌های مربوط به انرژی- به شدت کاهش داد (جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۲/۲۱: ۱۲).

با کاهش مناسبات ژاپن با ایران، کشورهایی مانند امارات متحده عربی، ترکیه و اسرائیل به تدریج بخش‌هایی از سهم ایران در تجارت با ژاپن را به خود اختصاص دادند. با این حال، در طول این دهه و بعد از آن، ایران همچنان از تأمین‌کنندگان اصلی نفت خام مورد نیاز ژاپن به شمار آمده است (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۰ و شریفی، ۱۳۷۵: ۹۵۹). هر چند این موضوع با کاهش چشمگیر سهم ایران به سود سایر تولیدکنندگان نفت در سید خرید نفتی ژاپن همراه بود. در این دوران، ایران با صدور ۱۱/۵ درصد از نفت مورد نیاز روزانه ژاپن، سومین تأمین‌کننده انرژی این کشور در سال ۲۰۰۶/۱۳۸۵ بود. حال آنکه عربستان سعودی با ۳۱/۱ درصد و امارات متحده عربی با ۲۵/۴ درصد، مقام‌های اول و دوم را در این زمینه به خود اختصاص دادند.

از این دوران به بعد، ژاپن آیین سیاست خارجی خود را، که میراث دوران زمامداری یوشید ادر ۱۹۵۲/۱۳۳۰ بود، به تدریج کنار گذاشت. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد براساس این آیین، اصل اساسی روابط خارجی ژاپن با همه کشورهای جهان، مبتنی بر

جدایی مسایل سیاسی از ملاحظات اقتصادی بود. اصلی که موجب شد در اوج جنگ سرد هم، ژاپن روابط اقتصادی خود را با چین و شوروی حفظ کند. اما تغییر در ماهیت و ساختار قدرت در نظام بین‌الملل، موجب شد این کشور با تجدید نظر در آن، مبنای روابط اقتصادی خود را با کشورهای مختلف، بر پایه مناسبات سیاسی بنا نهد. با به قدرت رسیدن دولت سید محمد خاتمی در ایران، روابط میان دو کشور وارد مرحله تازه‌ای شد. دولت ژاپن از شرکت‌های نفتی ژاپنی خواست، گفتگو با وزارت نفت ایران را از سر بگیرند. همچنین به دنبال سفر کمال خرازی - وزیر امور خارجه وقت - به ژاپن در آذرماه ۱۳۷۷، بیانیه مشترکی صادر شد که طی آن، دو طرف بر اهمیت ارتقای روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و پارلمانی میان دو کشور تأکید کردند.

در این سال سمیناری در زمینه شرایط سرمایه‌گذاری در ایران در اوزاکا برگزار شد. پرداخت وام یمنی معوق مانده در ۱۹۹۹/۱۳۷۸ نیز در دستور کار قرار گرفت. میانگین حجم مبادلات اقتصادی میان دو کشور در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۹۹۸/۱۳۸۲ تا ۲۰۰۳ به ۵/۳۷ میلیارد دلار رسید.^(۱) ژاپن طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۲۰۰۰/۱۳۸۳ تا ۲۰۰۴، مجموع ۱۳ میلیارد دلار برای پروژه‌های عمرانی در ایران تأمین اعتبار کرد (واردی، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

به دنبال سفر رئیس جمهور وقت به ژاپن در سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ فصل جدیدی در روابط میان دو کشور گشوده شد. این نخستین سفر بالاترین مقام اجرایی ایران به ژاپن طی ۴۲ سال بود. طی آن خاتمی پیشنهاد مشارکت ژاپن را در بهره‌برداری از میدان عظیم نفتی آزادگان، با ذخایری در حدود ۲۶ میلیارد بشکه، ارائه کرد. ژاپنی‌ها طرح پیشنهادی دولت ایران را با خشنودی پذیرفتند و کنسرسیومی به رهبری شرکت بزرگ نفتی اینپکس^۱ آمادگی خود را برای حضور در این پروژه اعلام کرد. در نتیجه مقرر شد ۷۵ درصد سهام این میدان نفتی به شرکت مذکور واگذار شود و بقیه در اختیار شرکت ملی نفت ایران^۲ باشد (Penn, 2006). اما تمدید قانون تحریم سرمایه‌گذاری در بخش انرژی در ایران در سال ۲۰۰۱/۱۳۸۰ توسط کنگره آمریکا، مانعی جدی برای اجرای این پروژه به وجود آورد.

1. INPEX
2. NIOC

توکیو در بیانیه‌ای ضمن ابراز ناخرسندی خود از تمدید تحریم‌ها، قانون تحریم‌ها را نه تنها به منزله تعمیم دادن یک قانون داخلی به ورای مرزها دانست که از نظر حقوق بین‌الملل مجاز نیست. بلکه آن را مغایر با توافقاتی که سازمان تجارت جهانی نیز خواند. ژاپن همچنان خواهان تداوم گفتگوهای سازنده با ایران بود (Japan Ministry of Foreign Affairs, 2001).

اما وقوع حوادث ۲۰ شهریور/۱۱ سپتامبر و معرفی ایران به عنوان یکی از کشورهای «محرور شرارت» از جانب ایالات متحده، سبب شد مقامات ژاپنی ترجیح دهند مذاکرات مربوط به اجرای پروژه را بارها به تعویق اندازند. در خرداد ۱۳۸۲/ژوئن ۲۰۰۳ سازمان بین‌المللی انرژی اتمی^۱ اعلام کرد ایران به تعهدهای خود در چارچوب مقررات آژانس عمل نکرده و مخفیانه در حال غنی‌سازی اورانیوم است. هر چند این ادعا از سوی مقامات ایرانی تکذیب شد، ولی با دلسردی روز افزون ژاپنی‌ها نسبت به ادامه این پروژه روبرو شد.

روی کار آمدن دولت جدید در ایران نیز نتوانست تحولی جدی در روابط نسبتاً سرد ایران و ژاپن پدید آورد. هر چند منوچهر متکی - وزیر خارجه کنونی ایران - در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸/۱۳۷۸ تا ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ سفیر ایران در ژاپن بود و با بسیاری مقامات ژاپنی از نزدیک آشنا است، با این همه، سیاست اعتمادسازی^۲ وی نتوانست در زمینه حل این بحران نقشی مؤثر ایفا کند. حتی پیشنهاد ایران برای مشارکت ژاپن در طرح‌های مربوط به اجرای برنامه‌های هسته‌ای نیز نتوانست انگیزه لازم برای گسترش همکاری میان دو کشور ایجاد کند.

به قدرت رسیدن گروه‌های نو ملی‌گرا^۳ در ژاپن نیز، در همان حال که پیوندهای آنان را با سیاستمداران نومحافظه کار^۴ آمریکایی تقویت کرده، موجب شده که آنها هم نگاهی بدبینانه به همکاری با ایران و کره شمالی - بزرگترین تهدید منطقه‌ای علیه ژاپن - داشته، خواستار کنترل این همکاری‌ها از طریق بازرسی‌های سازمان بین‌المللی انرژی اتمی باشند. این گروه جدید از زمامداران ژاپنی همچنین بر خلاف پیشینیان خود، تنها

1. IAEA
2. Confidence-building Diplomacy
3. Neo-nationalist
4. Neo-conservative

به قدرت و توان اقتصادی ژاپن تکیه ندارند. آنها مایل هستند برای تأمین منافع این کشور در بحران‌های احتمالی آتی، از ابزارهای نظامی نیز بهره جویند؛ لذا تلاش برای تغییر بند ۹ قانون اساسی این کشور، که داشتن نیروی نظامی و مشارکت ژاپن در جنگ را، به جز در موارد دفاع از خود منع می‌کند، در دستور کار جدید خود قرار داده‌اند. ایران سرانجام تهدیدهای خود را در زمینه کاهش سهام ژاپن در پروژه آزادگان در مهر ۱۳۸۵ / اکتبر ۲۰۰۶ عملی ساخت. به علت «سرعت اندک در پیشبرد طرح»، سهم ژاپن در این پروژه به ۱۰ درصد کاهش یافت (Masaki, November 13, 2006). با این حال ژاپنی‌ها همچنان براساس تعهدات بین‌المللی خود، مبنی بر اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل پیش می‌روند. توکیو از پرداخت وام‌های مصوب به ایران خودداری ورزیده، بخشی از سرمایه‌های ایران را در ژاپن بلوکه کرده، بر اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل اصرار دارد. ژاپنی‌ها همچنین شفاف‌سازی سیاست‌های ایران را در زمینه دستیابی به فناوری هسته‌ای، به عنوان پیش شرط اجرای طرح‌های توسعه نفتی اعلام کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

ژاپنی‌ها هیچ‌گاه دغدغه برقراری ارزش‌های لیبرال-دموکراتیک در سایر کشورهای جهان را نداشته‌اند، حتی ژست کشورهای غربی را نیز در این زمینه نگرفته‌اند. وقتی پای منافع در میان باشد، برای سیاستمداران تاجر مسلک ژاپنی، فرقی نمی‌کند که با کدام کشور وارد معامله شوند. در این میان، قدر مسلم آن است که ترک پروژه عظیم میدان نفتی آزادگان با منافع شرکت‌های ژاپنی به هیچ روی، همخوانی ندارد؛ لذا بروز این پدیده، نشان از جهت‌گیری جدیدی در روند سیاستگذاری خارجی این کشور دارد. در واقع، ژاپنی‌ها امروز برای تأمین منافع بلند مدت خود، همراهی با روند جهانی حمایت از الگوها و ارزش‌های جهانی شده غربی را ضرورتی انکارناپذیر یافته‌اند. باید به یاد داشت که در دهه‌های گذشته نیز ژاپن همواره در سیاست خارجی خود، اصل رعایت هم‌پیمانی با متحدان غربی را حفظ کرده، خلاف نیاز به گسترش روابط با کشورهای دارای نفت، از رئوس اولیه مبانی دیپلماسی خود عدول نورزیده است. هراس از بر هم خوردن روابط استراتژیک این کشور با ایالات متحده را می‌توان یکی از

مهمترین عوامل تغییر رویکرد ژاپن نسبت به ایران دانست. در شرایط کنونی و با توجه به تحولات صورت گرفته در عرصه سیاسی ژاپن، در صورت تداوم روند کنونی، توکیو به تدریج از متحد ویژه^۱ تهران و نیز کشوری بی طرف، به صف ائتلاف خصمانه ضد ایران انتقال خواهد یافت. روند حضور نظامی تدریجی ژاپن در حمله نظامی به افغانستان و عراق نیز به خوبی مؤید تمایل به از سرگیری سیاست‌های نظامی گرایانه این کشور در همسویی با ایالات متحده و کشورهای اروپایی است. بنابراین، در صورتی که این کشور اقتصاد خود را در زمینه تأمین امنیت انرژی در خطر یابد، می‌توان انتظار داشت که در آینده‌ای نه چنان دور، از جنگ هم به عنوان ابزاری برای تأمین منافع خود بهره گیرد.

پی‌نوشت

۱. پروژه مذکور بزرگترین پروژه خصوصی ژاپن در خارج از مرزهای این کشور در آن زمان بود. علاوه بر شرکت میتسویی، بیش از ۱۰۰ شرکت و ۲۰ بانک به طور غیرمستقیم به عنوان سهام‌دار و وام‌دهنده در این پروژه شرکت داشتند.
۲. یکی از بخش‌های مهم کمک‌های رسمی عمرانی ژاپن، پرداخت وام‌های ینی به کشورهای در حال توسعه است.
۳. ژاپن تنها مرحله نخست این وام به مبلغ ۳۸/۶ میلیارد ین را به ایران پرداخت کرد.
۴. این رقم تنها در سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ معادل ۸/۵۲ میلیارد دلار بوده است.

منابع

- اولد فادر، فیلیشیا ریا، لیوینگستون جون، مورجو (۱۳۷۵) شناخت ژاپن، ترجمه احمد بیرشک، تهران، خوارزمی.
- خانی، محمدحسن (۱۳۷۲) ژاپن و خاورمیانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- دولونه، ژاک، شارلیه ژان میشل (۱۳۶۹) اسرار نفت، ترجمه ژاله عالیخانی، تهران، خامه.
- سمسون، آنتونی (۲۵۳۶) هفت خواهران نفتی، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، امیرکبیر.
- «سیاست خاورمیانه‌ای ژاپن» (۱۳۶۶/۴/۱۸) روزنامه کیهان، شماره ۱۳۰۷۲.
- علیپور تهرانی، بهزاد (۱۳۷۲) مکانیزم ارتباطی دولت و بخش خصوصی و ظهور بنگاه‌های عظیم صنعتی و بازرگانی در ژاپن، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- «کلینتون دستورالعمل اجرایی تحریم اقتصادی ایران را صادر کرد» (۱۳۷۴/۲/۲۱) روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۶۱۲.
- محمدی، محمود (۶ شهریورماه ۱۳۸۲) «نقد برنامه چهارم؛ توسعه با کدام رویکرد جهانی؛ تبدیل اهمیت به قدرت»، روزنامه همشهری.
- معین‌زاده، مریم (۱۳۸۲) برآورد استراتژیک سرزمینی - سیاسی ژاپن، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۷۲) سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۲) ژاپن و سیاست‌های اقتصادی جنگ و بازسازی آن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- واردی، محمد (۱۳۸۴) کتاب سبز ژاپن، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- یرگین، دانیل (۱۳۷۴) تاریخ جهانی نفت، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، اطلاعات.
- یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹) نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گیو.
- Buckley, Roger (1998) Japan Today, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Comment by the Press Secretary / Director-General for Press and Public Relations (August 8, 2001) Japan Ministry of Foreign Affairs, on the Enactment of the Iran and Libya Sanctions Extension Act of 2001.

- Keohane, Robert O., and Joseph S. Nye (1989) *Power and Interdependence*, Illinois, U.S.A.: Scott Foreman /Addison-Wesley.
- Masaki, Hisane (November 13, 2006), " Goodbye Iran, Hello Iraq: Japan's and China's Oil Prospects in the Balance", <http://japanfocus.org/products/details/2273>
- Nakamura, Takafusa (1988) *the Postwar Japanese Economy*, Translated By Jacqueline Kaminski, Japan: University of Tokyo.
- Oga, Toru, "From Constructivism to Deconstructivism: theorising the Construction and Culmination of identities", <http://www.isanet.org/portlandarchive/oga.html>
- Penn, Michael (December 19, 2006) "Oil and Power: The Rise and Fall of the Japan-Iran Partnership in Azadegan", Japan Focus.
- Reus-Smith, Christian (1996) "The Constructivist Turn: Critical Theory after the Cold War", National Library of Australia, Canberra.
- Reus-Smith, Christian (2001) "Constructivism", in: Scott Burchill, *Theories of International Relations*, New York: Palgrave.
- Waltz, Kenneth N. (1979) *Theory of International Relations*, US: McGraw-Hill Humanities.